مطالعات فقه اقتصادی
Economic Jurisprudence Studies

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره سوم، شماره یکم، بهار ۱۴۰۰

فقه پول در اقتصاد اسلامی: مالکیت اعتباری پول: مالکیت عمومی پول

نورالله صالحی آسفیجی[*1]

۱. هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان،گروه اقتصاد، کرمان، ایران.

اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۵ - ۶۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

واژگان کلیدی:

ارزش، آگاهی، پول، فقه اقتصاد اسلامی و نظریه‌ی مبادله

نویسنده مسوول:

نورالله صالحی آسفیجی

آدرس پستی: ایران، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

تلفن:

09191045214

کد ارکید:

0000-0002-0975-4509

پست الکترونیک:

salehinoor@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: تمامی مشکلات اقتصاد متعارف ریشه در امری واقعی(نه حقیقی) به نام تورم دارند. به طوری که حتی مشکلات رکود تورمی، فقر، شکاف طبقاتی و بیکاری نیز به تورم بر می‌گردد. در نتیجه به نظر می‌رسد که این امر واقعی خود مولود یک امر اعتباری غلط است. تا زمانی‌که این امر غلط در اقتصاد وجود دارد این مشکلات وجود دارند. البته به نظر می‌رسد که این امر اعتباری، تعریف پول در اقتصاد می‌باشد.

مواد و روش‌ها: هسته‌ی سخت اقتصاد اسلامی پول می‌باشد. در این تحقیق فقه پول در اقتصاد اسلامی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برای تبیین دقیق این موضوع لازم است که موارد زیر مورد تحلیل قرار گیرند:

۱-نقش اعتبارات در اقتصاد: پول مفهومی اعتباری است(مانند متر و کیلوگرم که اعتباری‌اند اما منشا حقیقی دارند). در نتیجه پول، کالا، سرمایه، ثروت فرد و جامعه نیست. مالکیت آن عمومی است. که لازم و واجب است به صورت قرض‌الحسنه در اقتصاد گردش نماید.

۲-تحلیل مفهوم مالیت و مالکیت درفقه اقتصاد اسلامی

۳-جایگاه و نقش پول در علم اقتصاد (تبیین ۴ نظریه)

به نظر می‌رسد در فقه اسلامی پول مال (فقط و فقط ارزش مصرفی) می‌باشد. اما مالیت(ارزش مبادله‌ای) ندارد. بلکه مالکیت دارد. مالکیت اعتباری دارد. برای این که اصل مالکیت در جامعه حفظ شود لازم است که پول را به عنوان مالکیت اعتباری در نظر گرفته شود. وقتی پول غیر ازاین در نظر گرفته شود اصل مالکیت نقض می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: پول وسیله‌ی اندازه‌گیری ارزش است. اما وسیله‌ی مبادله، پول نیست(در علم اقتصاد متعارف پول، به عنوان وسیله مبادله در نظر گرفته می‌شود). وسیله مبادله، آگاهی

است. همین نکته کلید فقه پول در اقتصاد اسلامی می‌باشد. به عبارتی آن چیزی‌که باعث شکل‌گیری مبادله می‌شود پول نیست. بلکه آگاهی است. به عبارتی آن چیزی سبب انتقال ارزش می‌شود آگاهی عاملین اقتصادی است. آگاهی عاملین اقتصادی نسبت به این موضوع که دارند ارزش‌های یکسانی را مبادله می‌کنند. به عبارتی برای شکل‌گیری مبادله پول شرط لازم است. اما شرط کافی نیست. شرط کافی مبادله آگاهی است. اگر آگاهی حذف شود مبادله شکل نمی‌گیرد. یعنی با وجود پول به تنهایی مبادله تحقق نمی‌پذیرد. با وجود آگاهی اقتصادی است که مبادله شکل می‌گیرد. اگاهی حلقه‌ی مفقود علم اقتصاد است. به عبارتی در علم اقتصاد نقش ناظر نادیده گرفته شده است. ناظرانی که برای مبادله یکدیگر را ملاقات می‌نمایند.

نتیجه‌گیری: بدون اگاهی مبادله شکل نمی‌گیرد. با حذف آگاهی مبادله شکل نمی‌گیرد. این نکته بسیار دقیقی است. وسیله‌ای که نقش اندازه گیری ارزش را دارد لازم است از وسیله‌ای که نقش انتقال ارزش را دارد متفاوت باشد. به طوری که وسیله‌ی اندازه‌گیری ارزش پول است. اما وسیله‌ی انتقال ارزش آگاهی است. با این نوع نگاه به پول در علم اقتصاد هیچ‌گاه پول کنز نمی‌شود.

© تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق بشر اسلامی ایران می‌باشد.

مقدمه

جای هیچ شکی نیست که اقتصاد همواره در بستری پویا از فعالیت‌های علمی قرار داشته و پیوسته در حال تغییر و تحول بوده است. در واقع این علم در عمر نسبتا" طولانی خود همواره شاهد تلاش‌های ارزندۀ اندیشمندان بزرگ این شاخه پر افتخار از علوم بشری، و آنچنان که برخی معتقدند «ملکۀ علوم»، بوده است. با این‌حال، وضعیت کنونی این علم موجب نگرانی روزافزونی در میان اقتصاددانان شده است. این موضوع تا حد زیادی برخاسته از چالش‌های اساسی است که اقتصاددانان هترودکس در برابر جریان اصلی علم اقتصاد مطرح کرده‌اند. گرچه بیش از یکصد سال پیش وبلن با طرح پرسش : "چرا اقتصاد یک علم تکاملی نیست؟" بزرگترین چالش را در برابر اقتصاد ارتدکس مطرح ساخت.

همچنین به گفته ی پروفسور میلتون فریدمن، برنده‌ی جایزه نوبل اقتصاد که بیان می‌دارد تورم همیشه و همه جا پدیده‌ی پولی است. درنتیجه شناخت صحیح و دقیق پول بسیار مهم می باشد.

این تحقیق شامل موضوعات زیر می‌باشد:

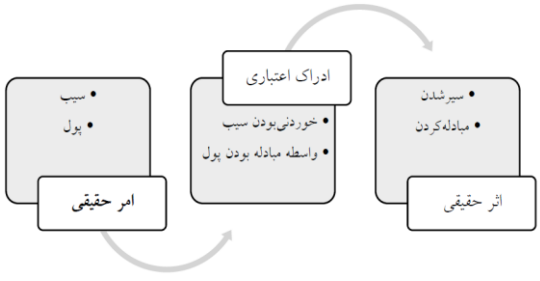
۱- نقش اعتبارات در اقتصاد:پول به عنوان مفهومی اعتباری

۲-تحلیل مفهوم مالیت و مالکیت درفقه اقتصاد اسلامی:مالکیت اعتباری پول

۳-جایگاه و نقش پول در علم اقتصاد (تبیین ۵ نظریه):پول به عنوان وسیله‌ی اندازه گیری ارزش و آگاهی به عنوان وسیله مبادله

۱- نقش اعتبارات در اقتصاد:پول به عنوان مفهومی اعتباری

تعریف مرحوم علامه از عمل اعتبار کردن به این قرار است: « از عوامل حسی برای محدود کردن چیزی به چیز دیگر استفاده کنید تا کاری را ترتیب دهید که مربوط به عوامل احساسی آن‌ها باشد »(طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۱). هنگامی که ما یک چیز واقعی و یک کار واقعی داریم ، اعتبار بین این دو وجود دارد ؛ برای مثال ، سیب یک چیز واقعی است و سیب را بر روی اعتبار و سیری خورده‌است یا لذتی که از خوردن سیب حاصل می‌شود یک اثر واقعی محسوب می‌شود (اولیایی، ۱۳۸۹، ص۹۸). علامه در آثار دیگر خود نیز به موضوع اعتباریات پرداخته‌اند که جهت مطالعه بیشتر ر.ک به: رساله فی الاعباریات (الأفکار التی یخلقها الانسان و حاشیه الکفایه.)به تناسب موضوع در زمینه پول می‌توان گفت: پول به عنوان یک شی فلزی یا کاغذی یک چیز واقعی است , این یک اثر واقعی از طریق میانجی گری و برخورد با نیاز به تبادل و معامله است که توسط آن انجام می‌شود . پول قبل از این که بتواند برای کالاها و خدمات به خاطر ارزش آن مبادله شود یا نه ، به این دلیل که ارزش اسمی آن نیازهای واقعی انسانی خود را برآورده می‌کند ، توسط انسان‌ها ارزش‌گذاری شده‌است (سبحانی و همکاران ۱۳۹۵).



شکل ۱: چیستی اعتباریات و نقش آن در زندگی(منبع: سبحانی و همکاران۱۳۹۵)

اعتبارات در ذهن انسان به شکل ادراک اعتبار ظاهر می‌شوند . ادراک اعتبار فرضیاتی هستند که ذهن

ایجاد می‌کند تا نیازهای حیاتی برآورده شود و دارای جنبه موقعیتی , قراردادی و فرضی باشد و هیچ ارتباطی با واقعیت و خود موضوع ندارد » (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۸). درک اعتبار در دنیای خارج هویت‌های اعتباری را ایجاد می‌کند . این هویت‌های اعتباری خارجی وجود ندارد ; اما آن‌ها از واقعیت خارجی جدا نیستند ; برای مثال , در دنیای بیرون وجود ندارد , وجود خارجی وجود ندارد ; اما این هویت اعتبار در ارتباط با مواد , که همان تکه کاغذ یا یک فلز است , بوجود آمده‌است (اولیایی، ۱۳۸۹، ص ۹۹).



شکل ۲: پدید آمدن ایجاد هویت‌های اعتباری(منبع: سبحانی و همکاران:۱۳۹۵)

اعتباریات نقش حیاتی در زندگی انسان بازی می‌کند و این نقش بسیار مهم و گسترده است که انسان‌ها گاهی از وجود آن بی‌اطلاع هستند . به عقیده علامه حلی ، یک نفر که اعتبار ندارد ، مثل ماهی بدون آب است(طباطبایی، ۱۳۷۱، ص ۴۷). هویت فردی و هویت اجتماعی به وسیله مکانیزم اعتبار سنجی شکل می‌گیرد . درست همانطور که آب برای حرکت و رشد ماهی‌ها لازم است , اعتبار نیز وضعیتی از زندگی و توسعه انسانی است و اساساً هیچ اقدام داوطلبانه انسانی نمی‌تواند بدون اعتبار تشخیص داده شود (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص۱۸۱).

ادراک اعتبار به عنوان متضاد ادراک واقعی تعریف می‌شود و بیان می‌کند که تفاوت بین این دو می‌تواند در درک بهتر مفهوم ادراک اعتباری موثر باشد . شهید مطهری (۱۳۸۰، ص ۳۷۱) در بیان این تفاوت به نکات ارزنده‌ای اشاره می‌کند که خلاصه آن در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: ادراک‌های حقیقی در برابر ادراک‌های اعتباری

ادراک‌های حقیقی	ادراک‌های اعتباری
انکشاف‌ها و انعکاس‌های ذهنی واقع و نفس‌الامر است.	جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس‌الامر سروکاری ندارد.
ارزش منطقی دارد.	ارزش منطقی ندارد.
تابع احتیاج‌های طبیعی موجود زنده و عامل‌های ویژه محیط زندگانی وی نیست و با تغییر احتیاج‌های طبیعی و عامل‌های محیط تغییر نمی‌کند.	تابع احتیاج‌های حیاتی و عامل‌های ویژه محیط است و با تغییر آنها تغییر می‌کند.
قابل تطور، نشوء و ارتقا نیست.	یک سیر تکاملی، نشوء و ارتقا را طی می‌کند.
مطلق، دائم و ضروری است.	نسبی، موقت و غیرضروری است.

تشخیص ادراکات حقیقی از برداشت اعتباری ضروری و نه جدا کردن آن‌ها از یکدیگر مضر و خطرناک است . این فقدان تمایز است که بسیاری از اندیشمندان را که برخی از اعتبار را در مقایسه با حقایق مقایسه کرده‌اند و برخی از آن‌ها ، برعکس ، نتایج بررسی‌های خود را به حقایق تعمیم داده‌اند . و واقعیت‌ها را به عنوان اعتبار مفاهیم نسبی و متغیر نسبت به نیازهای طبیعی در نظر گرفت (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۳۷۲). در مثال پول ، مثال خارجی آن یا فلز یا کاغذ واقعی است ؛ اما مفهوم پول به عنوان وسیله مبادله پذیرفته توسط جامعه ، درک اعتبار است . (سبحانی و همکاران ۱۳۹۵).

طبقه‌بندی‌های مختلف انواع اعتبارات ارایه‌شده که مطابق با بحث مقاله حاضر ، تقسیم‌بندی اعتباری با یک رویکرد جامعه‌شناختی ارائه شده‌اند . علامه طباطبایی به دو گروه براساس وابستگی یا وابستگی خود با جامعه تقسیم می‌شود . اعتباریات پیش از اجتماع که عبارت هستند از وجوب، حسن و قبح، انتخاب اخفّ و اسهل، استخدام و اجتماع و متابعت علم و همچنین اعتباریات پس از اجتماع که شامل

اصل ملک، کلام و سخن، ریاست و مرئوسیت و لوازم آن‌ها و اعتباریات درباره تساوی طرفین می‌شود. در ذیل تبیین مختصری از هر یک از اعتباریات اعم از پیش از اجتماع یا پس از اجتماع ارائه می‌شود.

۱-۱- اعتباریات پیش از اجتماع

۱. اعتبار وجوب: به گفته علامه حلی برای اولین بار از قدرت‌های فعال خود استفاده می‌کند تا رابطه بین خود و زمان حال و حال او را توجیه کند . این موضوع به ضرورت هر گونه اقدام معتقد است ; با این حال , پس از عملیات , ممکن است این وظیفه انکار شود . این اعتبار اولین اعتباری است که بشر می‌سازد , و همچنین در همه اعمال انسانی وجود دارد ; پس عموم مردم هستند (خسروشاهی، ۱۳۸۷، ص۱۲۹).

۲. اعتبار سن و قبح: اعتبار دیگری که می‌تواند گفته شود که بلافاصله اعتبار وجود عمومی است , اعتبار خوبی‌ها و زشتی است که انسان در مقابل جامعه اعتبار می‌بخشد (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱). در مواجهه با دنیای اطراف آن‌ها ، انسان‌ها واکنش‌های متفاوتی را نشان می‌دهند که می‌توانند به دو دسته کلی تقسیم شوند ، خوب و بد . ما به خیر و خوشی و زشتی با زشتی عمل می‌کنیم.

۳. اعتبار انتخاب اخف و اسهل: اعتبار سوم پیش از اجتماع، انتخاب اخف و اسهل است؛ یعنی انسان پیوسته می‌خواهد با سرمایه کم، سود بسیار برد و با کوشش سبک‌تر، کاری سنگین‌تر انجام دهد (همان، ص ۴۳۳).

۴. اعتبار استخدام و اجتماع: اشتغال و اعتبار اجتماعی به تنهایی در انسان‌ها وجود دارد . او از هر پدیده مادی برای حفظ بقای خود استفاده می‌کند . بنا به گفته علامه الله , جامعه به همین دلیل شکل می‌گیرد و به عبارت دیگر , یک جامعه تعاونی است که نیازهای همه را برآورده می‌کند (همان، ص ۴۳). وی پاسخی نیز به پرسش مقدر درباره شباهت این اعتبار با مفهوم بهره کشی و استثمار دارند و این دو را از هم متمایز می‌کنند.

۵-أصل متابعت علم: در برخورد با اشیا , انسان چهار حالت ذهنی دارد , یعنی علم , بدگمانی , تردید , و توهم , که نه تنها در علم ادراک متزلزل می‌شود ; به این ترتیب ادراک علمی برابر با واقعیت است, و علم واقعیت واقعیت می‌شود . از نظر علامه‌ی انسان به حسب فطرت و غریزه، رئالیست و واقع بین است (طباطبایی، ۱۳۹۷، مقاله دوم و سوم)؛ بنابراین اگر به وجود چیزی علم داشته باشد تا علم به بطلان وجود وی نرسانیده، علم نخستین را معتبر می‌دارد.

۲-۱- اعتباریات پس از اجتماع:

۱. اصل ملک: اصل مالکیت در اصل ریشه دارد . در حقیقت ، اصل مالکیت پس از تشکیل جامعه همان اصل اشتغال از پیش اجتماعی است که در اشکال مختلفی مثل ازدواج ، دوستی ، همسایگی ، پدر و فرزند و غیره ظاهر شده‌است .

در توضیح این اصل است که علامه اعتبار پول را مطرح می‌کند:

در مرتبه تالی این اعتبار، به واسطه احتیاج‌هایی که هر یک از افراد اجتماع به مواد مصرفی و بالخصوص ملکی غیر پیدا کرده‌اند، به اضطرار اعتبار «تبدیل» پیش آمده .... و به واسطه اعتبار مبادله» تقسیم‌های تازه‌ای به واسطه اختلاف‌های نوعی مالک و اختلاف نوعی اعیان مملوکه پیش آمده که خاستگاه اعتبار سلسله موضوع های اعتباری دامنه

دار از معاملات گوناگون و وضع احکام گوناگون برای آن‌ها شده است؛ در نتیجه عدم تعادل نسبی میان موارد مورد مبادله، احتیاج به اعتبار پول پیش آمده که یکی از مواد مورد رغبت را واحد مقیاس برای سنجش دیگر مواد مورد حاجت قرار دهند؛ البته این اعتبار نیز یک سلسله اعتبارهای فرعی مربوطه را ایجاب می‌کند که دستگاه وضع پول طلا و نقره و اسکناس و چک و اوراق دیگر بهادار و اعتبار و ... بااحکام و آثار خود نماینده آن‌ها هستند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۴۴۵ - ۴۴۶)

۲. اصل کلام: علامه بر این باور است که نیاز به ساخت کلمات و بیان یکی از چیزهایی است که انسان‌ها در اولین مرحله جامعه درک می‌کنند ; زیرا هر جامعه کوچک یا بزرگ نیاز مردم خود را برای درک هر یک از اهداف و منوها نشان می‌دهد (همان، ص۴۴۶)

۳. اصل ریاست: در جوامع بدوی , افراد نیرومندتر بر دیگران تسلط داشتند و اراده خود را بر آن‌ها تحمیل می‌کردند ; یعنی , آن‌ها وجود فعال خود را بزرگ‌تر و وسیع‌تر کرده بودند , و در نتیجه این اعتبار , نیازهای طبیعی حقیقت این رابطه , مانند قانون جامعه و سرکوب و سرکوب فردی , و سلسله قوانین , آداب و رسوم و آداب و رسوم , که جایگاه رئیس‌جمهور را نشان می‌دهد و مظهر احترام و تعظیم است , شناخته شده‌است (همان، ص ۴۴۸).

۴. أصل تساوی طرفین: اگر بپذیریم که اصل منصب بر جایگاه برتر دلالت دارد , اصل برابری طرفین به موقعیت برابری و توازن اشاره دارد . اصل تساوی طرفین در تمام انواع مبادلات , روابط و حقوق اجتماعی متوازن اعمال می‌شود (همان، ص ۶۵۱). مبانی اعتبار اعتباری مبانی منطقی و مذهبی خاصی دارد . از یک سو , اعتبارات براساس اصل اشتغال است که خود نشان‌دهنده اصل دیگری است, یعنی علت و معلول , که همه براساس طبیعت انسان معنا دارند .

شکل ۳: اصول زیربنایی اعتباریات



همانطور که توضیح داده شد , مرد طبق غریزه و تمایل طبیعی , همیشه می‌خواهد از قدرت دیگران به نفع خود استفاده کند , که به اصل اشتغال منتهی می‌شود ; بنابراین , اعتبار می‌تواند به عنوان ابزاری در نظر گرفته شود که مردم از آن برای استفاده و استخدام استفاده می‌کنند . اصل اشتغال براساس اصل علت و معلول است .رابطه بین علت و معلول، رابطه‌ای حقیقی در عالم است که انسان از آن در فرایند اعتبارسازی استفاده می‌کند: «... البته تمام این‌ها مستوره و نمایش دهنده سازمان حقیقی علیت و معلولیت است که حتی در اندیشه‌های اعتباری خودنمایی می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ص ۲۲۹).

۳-۱-اعتبار پول:

همان‌طورکه در توضیح اصل ملک آمد، پول محصول فرآیند زیر است:

شکل ۴: فرایند اعتبار پول با استفاده از اصول اعتباری



أصل اختصاص پیش از اجتماع، به اصل ملک پس از اجتماع تغییر می‌یابد؛ سپس انسان به علت تنوع نیازها، تبدیل را در آنچه که دارد، اعتبار می‌کند و از آن‌جا که دیگری نیز به چنین اعتباری رسیده

است، مبادله به صورت بین الاذهانی اعتبار می‌شود؛ اما از آنجا که لزوم تعادلی بین نیازهای دو طرف وجود ندارد پول به عنوان واسطه مبادله اعتبار می‌شود.

بنابراین مفهوم پول کالا شکل گرفت که در آن کالاهایی که بیش‌ترین تقاضا را داشتند علاوه بر داشتن ویژگی‌های کالایی , یک جنبه واحد و معیار سنجش را نیز یافتند . با انتخاب واحد ارزش , اگرچه عمل تبادل در مقایسه با قبل تسهیل شده بود , مشکلات بنیادین مبادله باقی مانده بود; از آنجا که واحدهای پولی در طول زمان فاسد شدند و نگهداری آن‌ها به یک فضای بزرگ نیاز داشت . این سختی‌ها باعث شد که بشر به دنبال چیزی به عنوان واحدی از ارزش باشد که در حجم کمی ارزش داشته باشد و در نهایت فلزات , به خصوص طلا و نقره , که دارای چنین ویژگی‌هایی هستند , به عنوان واسط مبادله انتخاب شدند (قدیری اصلی، ۱۳۷۸، ص ۷-۸).

۴-۱-دلالت‌های مفهومی :

پول جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس الامر سرو کاری ندارد و همچنین پول ارزش منطقی ندارد؛ بنابراین نمی توان آن را کالایی برای عرضه و تقاضا دانست . واقعیت این است که پول کالایی نیست که مادی نباشد , بلکه به این معنی است که پول , چه به صورت فیزیکی و چه به عنوان پول اعتباری , برای مصرف در جامعه تولید نمی‌شود . همچنین کالا به خودی خود ارزش دارد و در صورت برقرار نبودن روابط اجتماعی قابل مصرف است؛ اما پول فقط در چارچوب جامعه و روابط اجتماعی حاکم بر آن ارزشمند بوده و واسطه‌گری می‌کند.

این استنباط به تفصیل در ادبیات کارل پولانی تاکید شده‌است . به گفته او , سیستم بازار نوعی سیستم اقتصادی است که در آن تولید کالا , فرم معمول تولید است , و از همه مهم‌تر , همه ورودی‌های فرآیند تولید به کالاها تبدیل می‌شوند و در بازارها فروخته می‌شوند . این ورودی‌ها کار و زمین هستند ، طبیعت و محیط‌زیست و پول ؛ اما با وجود این که آن‌ها به شکل کالا می‌آیند و در بازارها خرید و فروخته می‌شوند و یا اصلاً تولید نمی‌شوند . برای مثال ، طبیعت یا اگر تولید شوند ، برای فروش در بازارها تولید نمی‌شوند . به عنوان مثال ، کار و پول به این دلیل است که پولانی آن‌ها را کالاهای خیالی می‌نامد (پولانی، ۱۳۹۱).

پول فقط نماد خرید قدرت است ، که به عنوان یک قاعده تولید نمی‌شود ، بلکه از طریق یک مکانیزم بانکی یا مالیات دولت ایجاد می‌شود . هیچ کدام از اینها برای فروش تولید نشده‌اند. تعریف گرافیکی کار , زمین و پول کاملاً تخیلی است . با این توهم است که بازارهای کار , زمین و پول سازمان دهی شده‌اند . اینها عملاً در بازار خرید و فروش می‌شوند . عرضه و تقاضا مقادیر واقعی هستند. همانطور که می‌توان مشاهده کرد , مفهوم پندار , که توسط پولانی در نظر گرفته می‌شود , با مفهوم قراردادی , قراردادی و اعتباری از پول مطابق با علامه حلی است (سبحانی و همکاران ۱۳۹۵).

۵-۱-دلالت‌های اجتماعی:

پول تابعی از نیازهای حیاتی و عوامل محیطی و تغییراتی است که آن‌ها تغییر می‌کنند . پول هم چنین دست‌خوش تحول ، رشد و توسعه می‌شود ؛ بنابراین ، تبدیل پول از پول کالا و فلز به کاغذ و پول اعتباری نه تنها منطقی و مجاز است ، بلکه باید ذکر شود که تغییر پول تا زمانی که اعتبار آن

خلاف عدل انجام داده است. اگر چنین حکمی پذیرفته شود می‌توان آن را یکی از زمینه‌های مورد سوال نباشد مجاز است . در حقیقت پول در هر شکلی که پدید آید، نباید بیش از مابه ازای خارجی خود باشد. این مابه ازا می‌تواند طلا و فلزات گرانبها و به طور کلی ثروت یک کشور باشد یا معادل تولید کالایی آن. نظری (۱۳۸۹، ص۱۰۵) در این رابطه , با اشاره به نیاز به هماهنگی بین بخش‌های مالی و مالی در اقتصاد اسلامی , او معتقد است که در یک اقتصاد آزاد , مبنای سیستم مالی نرخ بهره بدهی‌های مختلف است و در اقتصاد آزاد , وام , حتی اگر منجر به تولید شود, سود مالی ایجاد کند , و ممکن است درآمده‌ای زیادی از جریان کالاها و خدمات واقعی دور باشد (سبحانی و همکاران ۱۳۹۵).

این دیدگاه مشابه نظرهای ریکاردو در مجادله‌هایی معروف به مجادله‌های شمش بین دو گروه است. یک گروه به رهبری ریکاردو و مشتمل بر شمش گرایان به آن‌هایی که طرفدار گزارش شمش ۱۸۱۰م هستند. است که بعدا مکتب پول در گردش نام گرفت. گروه دیگر دربردارنده ضد شمش گرایان و مکتب بانکداری است و مهر تأیید آن به وسیله مارکس زده شده است (گرین، ۲۰۰۸م، ص ۱۲۶۷). ریکاردو تحلیل خود را با شناسایی نیاز به جایگزینی طلا و نقره در گردش با کاغذ آغاز کرد به شرطی که پول به همان میزان، فلز از گردش خارج شده منتشر شود که این به معنای در نظر گرفتن ارزش مشخصی از فلزات به عنوان استاندارد پول است: «پول در جریان هنگامی در کامل‌ترین حالت خود است که پول تماما کاغذی باشد اما معادل ارزش طلایی که پشتوانه آن است» (ریکاردو، ۱۸۲۱م، ص ۳۰۵).

در ادبیات اقتصادی و بانکی متعارف، پول و خلق آن در نظام بانکی بر تولید مقدم است؛ بنابراین خلق آن لازمه تولید و فعالیت آن در نظام اقتصادی سرمایه داری است. بر این اساس نه تنها خلق پول به معنای رایج آن طبق عملیات وام دهی مجدد مجاز شمرده می شود بلکه پول خلق الساعه (Ex Nihilo) به معنای توان بانک‌ها برای وام دهی به مشتریان خود بدون توجه به سطح موجود سپرده‌ها تأیید می‌شود (Ingham, 2004 , pp .۱۶-۴۱). در برابر، رویکردی به وسیله اتریشی‌های جدید تحت عنوان «بانکداری ذخایر کامل» مطرح شده است که طبق آن بانک درباره سپرده‌های دیداری فقط نقش امانت دار را در ازای دریافت کارمزد ایفا کرده و درباره سپرده‌های مدت‌دار و دیگر سپرده‌های غیر قابل برداشت تا زمان معین می‌تواند نقش واسطه گری مالی و اعطای تسهیلات را ایفا کند. این الگو متضمن سلب و از بین رفتن قدرت خلق پول نظام بانکی است (See , ۲۰۱۱ Greenham et al).پول طبق نظریه اداراک‌های اعتباری، نسبی و موقت و غیر ضروری است؛ بنابراین می‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که بدون توجه به نظم و ساختار پولی کنونی، نظام اقتصادی خود را سامان دهد. (خسروشاهی، ۱۳۹۳، ص ۲۶۲).

جدول ۲: جمع‌بندی تحقیق

ویژگی‌های پول به عنوان نفس‌الامر اعتباری	دلالت اقتصادی	دیدگاه‌های مشابه
- پول جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد. - با واقع و نفس‌الامر سروکاری ندارد. پول ارزش مطلق ندارد.	- پول کالا نیست و نمی‌تواند ذخیره ارزش باشد. - پول بازار ندارد.	- دیدگاه کارل پولانی - دیدگاه دیوید هیوم و جان لاک
- پول تابع احتیاج‌های حیاتی و عامل‌های ویژه، محیط است و با تغییر آنها تغییر می‌کند. - پول یک سیر تکاملی و نشوء و ارتقا را طی می‌کند.	- نوع اشکال پولی مجاز و البته با توجه به گسترش نیازها ضروری است. - پول در هر شکلی فقط به ازای نفس‌الامر حقیقی خود باید پدید آید.	- دیدگاه ریکاردو و شمش گرایان
- پول نسبی، موقت و غیرضروری است.	- می‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که بدون توجه به نظم و ساختار پولی کنونی، نظام اقتصادی خود را سامان دهد. - هیچ ضرورتی حتمی در توسعه پول و نهادهای آن اعم از بانک نیست. - نظام کنونی اقتصادی در دنیا که پول در آن جزء مطلق، دائمی و ضروری است، اعتباری تلقی نمی‌شود.	-اتریشی‌های جدید

منبع:سبحانی و همکاران ۱۳۹۵

به عنوان نتیجه بحث ها می‌توان گفت پول اعتبار پس از اجتماع است؛ بنابراین همان‌طور که اینگام (۱۹۹۹م) اشاره می‌کند، پول در نفس خود رابطه‌ای اجتماعی است؛ یعنی پول چیزی نیست جز برایند مالکیت در ساختار روابط اجتماعی، همچنین پول به مثابه ادراک اعتباری نمی‌تواند فراتر از ما به ازای واقعی خود پدید آید؛ بنابراین سیاست پولی به معنای دادن نقش فعال به پول و خلق آن بدون توجه به بخش واقعی و با هدف تأمین مالی دولت در تلقی مقاله پیش رو مورد تأیید نیست؛ در نتیجه به نظر می‌رسد پول در اقتصاد اسلامی در سازگاری با نظام بانکداری ذخیره‌های کامل است که چرا در کتاب به سوی یک سیستم عادلانه پولی (۱۹۸۵م) و محسن خان در کتاب بانکداری بدون بهره (۱۹۸۹م) نیز این موضوع را مطرح کرده‌اند .

۲-تحلیل مفهوم مالیت و مالکیت در فقه اقتصاد اسلامی

چون هسته‌ی اصلی این مقاله بر مفهوم این که پول مالکیت دارد نه مالیت. لازم است که نکاتی پیرامون مفهوم مالکیت بیان شود.

مالکیت به رابطه ویژه‌ای بین مالک و مالک اشاره دارد که امکان مالکیت صاحب ملک را نشان می‌دهد . این رابطه و تسلط گاه واقعی است ؛ یعنی ، مالک ، کنترل واقعی ملک را بر عهده دارد ؛ مانند مالکیت خصوصی موجودات و مالکیت معنوی روح و یا شکل ذهنی چیزها . بعضی وقت‌ها این سلطه اعتباری است؛ یعنی ، بین مالک و ملک ، تنها یک رابطه و سلطه‌گری ، فرض می‌شود که آنچه از مالک جدا و جدایی‌ناپذیر است ، به عنوان چیزی که به او مربوط می‌شود در نظر گرفته می‌شود . در واقع یک نوع شبیه‌سازی رخ می‌دهد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲: ص ۹۱)؛ البتّه این سلطه اعتباری دارای اثر است. اثر این سلطه آن است که تصرّفات مالک در مِلک به رضایت کسی منوط نیست؛ ولی تصرّفات دیگران، بر رضایت مالک متوقّف است (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸:ص ۱۱۴). بدین‌ترتیب، «مالکیت اعتباری» عبارت از اعتبار واجدیت و احاطه شخصی (حقیقی یا حقوقی) بر شیء، اعمّ از عین و منفعت است به گونه‌ای که بر آن شیء سلطه داشته باشد و بتواند در آن تصرّف کند و مانع تصرّف دیگران شود. در شرع نیز همین معنای عرفی لحاظ شده است؛ البتّه برخی محدودیت‌ها درباره آن مطرح می‌شود (قحف،۱۴۱۱: ص ۶۱)؛ بنابراین

می‌توان گفت: عنصر اصلی در مفهوم مالکیت، «امکان تصرّف» است این امکان گاه به دایره وجود ارتباط می‌یابد که در این صورت، مالکیت حقیقی مطرح می‌شود و گاه به معنای امکان فلسفی نیست؛ بلکه بر جواز دلالت می‌کند. در مالکیت اعتباری , عاقل کردن رابطه بین مالک و اموال اعتباری , با ربط دادن آن به ملک واقعی که مالک امکان تصاحب ملک را دارد , که در آن مالک به منظور دستیابی به اهداف اجتماعی مجاز است بنابراین ، ویژگی حقیقی به دنبال اجازه فلسفی و مالکیت اعتبار به دنبال مجوز قانونی است؛ بنابراین تفاوت اصلی بین این دو ویژگی این است که در مالکیت واقعی ، دارایی همیشه از مالک مستقل بوده و هرگز از مالک آن جدا نشده است . (طباطبایی، ج ۳، ص ۲۰۲)؛ از آنجا که ثبات آن در وضعیت و اعتبار است , می توان این نوع مالکیت را از یک مالک به دیگری منتقل کرد و می توان گفت یکی از نشانه‌های مالکیت اعتباری توانایی انتقال مالکیت است (هادوی نیا ۱۳۸۲).

جایگاه فلسفی مالکیت را باید در تقسیم مربوط به انواع ادارکات، (ادراکات حقیقی و اعتباری) جست. ادراکات حقیقی، انکشافات و انعکاسات ذهنی واقع و نفس‌الامر است؛ امّا ادراکات اعتباری، فرض‌هایی هستند که ذهن به منظور رفع نیازهای حیاتی، آن‌ها را ساخته است و جنبه قراردادی داشته، با واقع و نفس الامر سر و کاری ندارند. ادراکات حقیقی، مطلق و ثابت، و از نفوذ احتیاجات طبیعی و عوامل محیط آزادند؛ ولی ادراکات اعتباری، فرضی و نسبی و متطوّر و تابع احتیاجات طبیعی و عوامل محیط هستند. مالکیت اعتباری از ادراکات اعتباری شمرده می‌شود.

از سوی دیگر، ادرکات اعتباری نیز بر دو قسم تقسیم می‌شود؛ زیرا ساختن آن‌ها، معلول قوای فعّاله طبیعی و تکوینی انسان است. حال اگر فعّالیت این قوا در درک ادراکات اعتباری، به وجود اجتماع مقیّد نباشد، مانند درک این‌که انسان جهاز تغذیه خود را به‌کار می‌برد، اعتباریات پیش از اجتماع حاصل می‌شود، و اگر بدون فرض اجتماع قابل تحقّق نباشد، ادراکات پس از اجتماع به‌دست می‌آید؛ مانند افکار مربوط به تربیت فرزندان. مالکیت، از ادراکات پس از اجتماع، و در واقع بر درک «اصل اختصاص» متکّی است که خود از ادراکات اعتباری پیش از اجتماع به‌شمار می‌رود. انسان پیش از پیدایی اجتماع، مطابق نیازهای فردی که دارد، چیزهایی از اشیای اطرافش را به خود اختصاص می‌دهد.

اولویت و اختصاصی که انسان برای خود درباره اشیای خاصّی قائل است، امر غریزی بشر است. (کمال، ص ۱۵۰). برخی حیوانات نیز چنین اولویتی را به حکم غریزه درک می‌کنند. احساس غریزی حیوانات درباره آشیانه خود، از این قسم است؛ البتّه آن‌ها تصوّر کلّی و مشخّصی از مالکیت ندارند. اعتبار در زمینه تصوّرات کلّی است که از مختصّات انسان شمرده می‌شود (مطهری، ۱۳۶۸: ص ۵۲)؛ یعنی انسان پس از تشکیل اجتماع، با توجّه به آمدن دیگران لازم می‌بیند این اختصاص را به گونه‌ای اعتبار کند که نشان‌دهنده رابطه خاصّی بین وی و شیء مزبور باشد؛ به گونه‌ای که دیگران آن رابطه خاص را ندارند. این ادراک اعتباری پس از اجتماع، همان مالکیت است. (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۶، ص ۳۶۹ و ۴۵۶؛ طباطبایی، ۱۳۶۵: مقاله ششم). در واقع انسان ابتدا، مالکیت حقیقی میان خود و افعال و قوا و اعضای خود را درک، سپس شبیه این ارتباط را میان خود و محصولاتی که صرفا محصول

طبیعت یا محصول کار و طبیعت و یا محصول کار و سرمایه و طبیعت است، فرض می‌کند و در عالم فرض و اعتبار، وجود خود را گسترش داده، با قرارداد اجتماعی آن را معتبر می‌کند. پس از این فرض و قرارداد، برای خود با بعضی ثروت‌ها نسبتی قائل می‌شود که این نسبت میان آن ثروت و دیگران نیست؛ به همین‌سبب اجازه هرگونه تصرّفی را در آن ثروت به خود می‌دهد. (مطهری، ۱۳۶۸: ص ۵۲)

عوامل پیدایی مالکیت اعتباری از آن‌جا که هر یک از امور اعتباری، دارای منشأ و خاستگاه حقیقی‌اند، برای مالکیت اعتباری نیز سه منشأ مطرح است:

۱. عامل فطری: اشتیاق ذاتی هر انسان این است که اشیا حاصل از کار او ، یا جمع‌آوری‌شده توسط او ، به او تعلق داشته باشند و به او تعلق داشته باشند. این جاذبه ذاتی که ما در انسان‌ها ، حتی کودکان می‌بینیم ، موجب افزایش مفهوم مالکیت شده‌است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲: ص ۹۵؛ صالح، ۱۴۱۷: ص ۱۱۷). بشر در ابتدا به خود اجازه داد تا صرفاً با اتکا به این ایده که زمین متعلق به خودش است , به سادگی از این پدیده استفاده کند ; سپس به اصل دیگری به نام اصل مالکیت احترام می‌گذارد , زیرا به طور دل‌خواه می‌تواند آنچه را که از طریق تلاش‌های خود به دست آورده‌است را بگیرد . این اصل در حقیقت مکمل اصل تخصیص است ; چرا که اصل تخصیص مانع آزار و اذیت دیگران می‌شود , و این اصل مالکیت آن را به صاحب اختیار می‌دهد .(طباطبایی، بی‌تا: ص ۳۸). در فرآیند توسعه فرهنگی خود در پرتو عقل و مذهب ، انسان‌ها تلاش کرده‌اند تا از حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها با قانونی کردن این موضوع و جلوگیری از اثرات مخرب این گرایش طبیعی محافظت کنند . برخی از آیات قرآن کریم به وجود این میل فطری اشاره دارند: زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَواتِ مِنَ النِّساءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَناطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعامِ وَ الْحَرْثِ ذلِكَ مَتاعُ الْحَياةِ الدُّنْيا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (آل عمران (۳): ۱۴) برای مردم ، عشق به چیزهای مادی با زنان و کودکان ، و ثروت فراوان طلا و نقره ، اسب برجسته ، گاو و کشاورزی زینت یافته‌است . اینها کالاهای زندگی این دنیا هستند و در نهایت با خدا همراه است . شهوات، جمع شهوت، میل به خواستنی‌ها و همان غریزه‌هایی است که در ادامه زندگی جاندار ضرورت دارد و خداوند آن‌ها را به همین جهت قرار داده است (طبرسی، ۱۳۵۰ ـ ۶۰: ج ۳، ص ۲۵۶). آن‌چه در تفسیر آیه، صحیح به نظر می‌رسد، این است که زینت دهنده، خداوند است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ ـ ۶۶: ج ۲، ص ۴۵۷! آیات ص: ۳۲، فجر: ۲۰ و عادیات: ۸ نیز بر همین معنا دلالت دارد)؛ زیرا خدا است که عشق به فرزندان و مال و ثروت را در نهاد آدمی ایجاد کرده تا او را بیازماید و در مسیر تکامل و تربیت پیش برد. (کهف (۱۸): ۷)؛ البتّه هدایت تشریعی خداوند درصدد تنظیم این امر فطری است:

لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (آل عمران (۳): ۹۲). هرگز به [حقیقت] نیکوکاری نمی‌رسید، مگر این‌که از آن‌چه دوست می‌دارید، [در راه خدا] انفاق کنید و آن‌چه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است.

۲. عامل عقلی: ادّعا شده است که بر اساس حکم عقل عملی، اگر کسی زحمت کشید و چیزی را تولید کرد و محصول او را شخص دیگری که کاری انجام نداده، تصاحب کرد، این فرد، عملی قبیح و

پیدایی مفهوم مالکیت در فرهنگ بشری دانست؛ البتّه در این که عقل، و نه عرف عاقلان، چنین حکمی داشته باشد، جای تامّل است. باید توجّه داشت که حکم عقل عملی که از قبیل بایدهای عقلی است و از نوعی برهان نتیجه می‌شود، با آن‌چه عرف عمومی عاقلان به آن حکم می‌کند و از قبیل آرای محموده، در اصطلاح منطق مطرح است، تفاوت دارد. برخی حتّی به آیه شریفه فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لاَ تَظْلِمُونَ وَلاَ تُظْلَمُونَ استناد کرده‌اند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ص ۲۲۳)؛ امّا این آیه به مسأله سرمایه نظر دارد و این‌که اصل سرمایه از آن قرض‌دهنده است، نه بیش‌تر که بر قرض‌گیرنده ظلم شود، و نه کم‌تر که بر خود قرض دهنده ستم شود.

۳. عامل اجتماعی: انسان یک موجود اجتماعی است و این نقطه نیازمند نظم در همه مسائل است تا هرج و مرج اتفاق نیفتد . یکی از مهم‌ترین اینها , استفاده از دارایی و ثروت است . مالکیت روشی است برای تنظیم روابط افراد در جامعه در این حوزه ; از این رو , مهم‌ترین عامل در عمل انسانی بر اعتبار مالکیت , و ظهور چنین مفهومی در فرهنگ انسانی , این عامل اجتماعی بوده‌است؛ البتّه چگونگی پذیرش این اعتبار، و احکام مربوط به آن، یکی از اموری است که نظام‌های اقتصادی را از هم جدا می‌سازد (صالح، ۱۴۱۷: ص ۱۰۷). با توجه به رابطه بین این سه عامل , می‌توان گفت که دو مورد اول , نقش فرد و آخرین مورد , نقش جامعه را در ظهور نهاد مالکیت توضیح می‌دهند . از آنجا که غرایز انسانی در دو حیطه گرایش و شناخت قرار دارند , این موضوعات به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند ; عامل اول یعنی گرایش طبیعی انسان به ویژگی , متعلق به گروه اول است . قاعده عقل عملی این تخصیص را خوب می‌داند (البته اگر متکی به تلاش و زحمت باشد) نیز متعلق به گروه دوم است . این دو عامل باعث ایجاد رابطه بین او و شی می‌شوند . این رابطه همانند مالکیت است . تاثیر این ادراک و اعتبار به عنوان یک مجوز برای مالکیت و استفاده از اثرات شی توسط فرد است ; البته , چنین اعتباری می‌تواند توسط هر فرد به روش‌های مختلف مطرح شود ؛ اما آنچه که می‌تواند به عنوان یک نهاد اجتماعی در نظر گرفته شود تحقق می‌یابد . عامل سوم اهمیت و ضرورت این توافق در تنظیم روابط اشخاص در جامعه است ; بنابراین دو عامل اول منشا مالکیت و عامل سوم را آشکار می‌سازد . چنین تصویری از فاکتورهای نوظهور مالکیت می‌تواند بس‌تر مناسبی برای تحلیل وضعیت مالکیت خداوند باشد (هادوی نیا ۱۳۸۲).

نکاتی که در این تحقیق به آن توجه می‌شود به صورت زیر است:

ارتباط انسان با کالا از نوع مالیت است. در نتیجه کالا مالیت(ارزش) دارد. در نتیجه کالا بازار دارد.

ارتباط انسان با پول از نوع مالکیت است. درنتیجه پول مالکیت دارد. در نتیجه پول کالا نیست. پس بازار نباید داشته باشد. البته مالکیت پول اعتباری است.

به عبارتی پول در فقه اسلامی مالیت(ارزش) ندارد. بلکه مالکیت دارد. همین نکته برتری فقه پول در اقتصاد اسلامی است. چون تصدیق این موضوع به معنی حذف بازار پول از علم اقتصاد است. به عبارتی دیگر در فقه اقتصاد اسلامی پول:

مالکیت اعتباری دارد.

یعنی انسان‌ها پس از تشکیل اجتماع :

۱-پول را اعتبار می‌نمایند. به عنوان وسیله اندازه گیری ارزش.

۲- این وسیله اندازه‌گیری ارزش خود ارزش(مالیت) ندارد. بلکه مالکیت دارد.

۳-مالکیت این وسیله عمومی است. که لازم و واجب است به صورت قرض الحسنه در اقتصاد گردش نماید. چون ارزش(مالیت) ندارد.

این تلقی از پول بر خلاف دیدگاه اقتصاددانی است که پول را کالای عمومی می‌دانند. چون پول مالکیت عمومی دارد. نه کالای عمومی(این نکته ی بسیار ظریفی است).

۳-جایگاه و نقش پول در علم اقتصاد (تبیین ۵ نظریه):پول به عنوان وسیله‌ی اندازه گیری ارزش و آگاهی به عنوان وسیله مبادله

با توجه به توضیحاتی که در قسمت قبل بیان شد می‌توان اذعان نمود که:

۱-پول، مالکیت اعتباری دارد.

۲-پول، کالای عمومی نیست. بلکه مالکیت عمومی دارد.

۳-پول، وسیله‌ی اندازه گیری مالیت(ارزش)است.

حال در این بخش می‌خواهیم جایگاه و نقش پول را درعلم اقتصاد تعیین کنیم. اصول علم اقتصاد بر پایه‌ی ۴ نظریه می‌باشد:۱-نظریه‌ی عمومی کالا۲-نظریه‌ی ارزش۳-نظریه‌ی مبادله۴-نظریه‌ی قیمت

در نتیجه لازم است ۴ بار اندازه گیری نمود:

۱-اندازه گیری کالا۲- اندازه گیری ارزش۳- اندازه گیری قیمت۴- اندازه گیری مبادله

۱-اندازه گیری کالا

اندازه گیری کالا به شرح زیر می‌باشد:

کالا چیزی است که دارای ارزش است.

البته منظور از ارزش، ارزش مبادله ای است.

۲- اندازه گیری ارزش(مبادله‌ای)

اندازه گیری ارزش به صورت زیر می‌باشد:

آگاهی نسبت به کالا.

(دقت شود مفهوم آگاهی در جهت ورود نقش ناظر اضافه می‌گردد. نکته ی عمیق و دقیقی است).

۳- اندازه گیری قیمت

حال اندازه گیری قیمت به صورت زیر تبیین می‌شود:

اندازه گیری قیمت بدین صورت است: قیمت: مقدار ارزش کالای اقتصادی

به عبارتی قیمت، همان مقدار ارزش اندازه گیری شده است. در اینجا وسیله‌ی که مقدار ارزش را اندازه گیری می‌نماید همان پول است. به عبارتی پول نقش وسیله اندازه‌گیری ارزش را بازی می‌کند.

۴- اندازه گیری مبادله

حال اندازه گیری مبادله به صورت زیر تبیین می شود:

اندازه گیری مبادله: وضعیتی است که در آن عاملین اقتصادی، به تبادل ارزش با یکدیگر می‌پردازند.

حال تعادل مبادله، که یک تعادل عادلانه است به صورت زیر تعریف می شود:

وضعیتی است که در آن یک عامل اقتصادی، مقدار ارزش که از دست می دهد با مقدار ارزش که به دست می‌آورد برابر است.

حال برای تحقق و انجام مبادله، لازم است وسیله‌ی مناسب با آن را تعریف نمود. یعنی نیاز به یک وسیله که بتواند و ظیفه‌ی انتقال ارزش را بر عهده بگیرد. بسیار بدیهی است در صورتی عاملین اقتصادی به مبادله قدام می‌نمایند که به این آگاهی(علم) برسند که:

مقدار ارزش که از دست می‌دهد با مقدار ارزش که به دست می‌آورد برابر است.

اگر به این آگاهی رسیدند مبادله شکل می‌گیرد. پس وسیله مبادله چیزی جز آگاهی نیست. به عبارتی آگاهی وظیفه‌ی انتقال ارزش را برعهده دارد.پول وسیله‌ی اندازه‌گیری ارزش است. اما وسیله‌ی مبادله، پول نیست(در علم اقتصاد متعارف پول، به عنوان وسیله مبادله در نظر گرفته می‌شود). وسیله مبادله، آگاهی است. همین نکته کلید فقه پول در اقتصاد اسلامی می‌باشد. به عبارتی آن چیزی که باعث شکل گیری مبادله می‌شود پول نیست. بلکه آگاهی است. به عبارتی آن چیزی سبب انتقال ارزش می‌شود آگاهی عاملین اقتصادی است. آگاهی عاملین اقتصادی نسبت به این موضوع که دارند ارزش‌های یکسانی را مبادله می‌کنند. به عبارتی برای شکل‌گیری مبادله پول شرط لازم است. اما شرط کافی نیست. شرط کافی مبادله آگاهی است. اگر آگاهی حذف شود مبادله شکل نمی‌گیرد. یعنی با وجود پول به تنهایی مبادله تحقق نمی‌پذیرد. با وجود آگاهی اقتصادی است که مبادله شکل می‌گیرد. آگاهی حلقه ی مفقود علم اقتصاد است. به عبارتی در علم اقتصاد نقش ناظر نادیده گرفته شده است. ناظرانی که برای مبادله یکدیگر را ملاقلات می‌نمایند. به شکل دقیق‌تر

بدون آگاهی مبادله شکل نمی‌گیرد. با حذف آگاهی مبادله شکل نمی‌گیرد. این نکته بسیار دقیقی است.

(برای درک بهتر این موضوع کافی است تصور نمیاند وقتی با کارت بانکی خود به بازار می‌روید چگونه مبادله شکل می‌گیرد. شما اول از فروشنده قیمت را سوال می‌کنید(اندازه‌گیری ارزش). بعد اگر قصد به خرید نمودید و فروشنده هم متوجه شد شما همان مقدار ارزش را انتقال می‌دهید مبادله شکل می‌گیرد. یعنی آگاهی شما و فروشنده که ارزش‌های یکسانی را مبادله می‌کنید).

به صورت خلاصه در فقه پول اقتصاد اسلامی لازم است به این نکته توجه شود که:

وسیله ای که نقش اندازه گیری ارزش را دارد لازم است از وسیله‌ای که نقش انتقال ارزش را دارد متفاوت باشد. به طوری که وسیله‌ی اندازه گیری ارزش پول است. اما وسیله‌ی انتقال ارزش آگاهی است. با این نوع نگاه به پول در علم اقتصاد هیچ گاه پول کنز نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد، تمامی مشکلات اقتصاد متعارف ریشه در امری واقعی(نه حقیقی) به نام تورم دارند. به طوری‌که حتی مشکلات رکود تورمی، فقر، شکاف طباقاتی و بیکاری نیز به تورم بر می‌گردد. در نتیجه به نظر می‌رسد که این امر واقعی خود مولود یک امر اعتباری غلط است. تا زمانی که این امر غلط در اقتصاد وجود دارد این مشکلات وجود دارند.البته به نظر می‌رسد که این امر اعتباری، تعریف پول در اقتصاد می‌باشد.

به نظر می‌رسد هسته ی سخت اقتصاد اسلامی پول می‌باشد. در این تحقیق فقه پول در اقتصاد اسلامی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برای تبیین دقیق این موضوع موارد زیر تحلیل شد:

۱-نقش اعتبارات در اقتصاد:پول مفهومی اعتباری است(مانند متر و کیلو گرم که اعتباری اند اما منشا حقیقی دارند). در نتیجه پول، کالا، سرمایه، ثروت فرد و جامعه نیست. مالکیت آن عمومی است. که لازم و واجب است به صورت قرض‌الحسنه در اقتصاد گردش نماید.

۲-تحلیل مفهوم مالیت و مالکیت درفقه اقتصاد اسلامی۳-جایگاه و نقش پول در علم اقتصاد (تبیین ۵ نظریه)

به نظر می‌رسد در فقه اسلامی پول مال (فقط و فقط ارزش مصرفی) می‌باشد. اما مالیت(ارزش مبادله‌ای)ندارد. بلکه مالکیت دارد. مالکیت اعتباری دارد. برای این که اصل مالکیت در جامعه حفظ شود لازم است که پول را به عنوان مالکیت اعتباری در نظر گرفته شود. وقتی پول غیر از این در نظر گرفته شود اصل مالکیت نقض می‌شود.

در فقه اقتصاد اسلامی:

پول وسیله‌ی اندازه گیری ارزش است. اما وسیله‌ی مبادله، پول نیست(در علم اقتصاد متعارف پول، به عنوان وسیله مبادله در نظر گرفته می‌شود). وسیله مبادله،آگاهی است. همین نکته کلید فقه پول در اقتصاد اسلامی می‌باشد. به عبارتی آن چیزی که باعث شکل گیری مبادله می‌شود پول نیست. بلکه آگاهی است. به عبارتی آن چیزی سبب انتقال ارزش می‌شود آگاهی عاملین اقتصادی است. آگاهی عاملین اقتصادی نسبت به این موضوع که دارند ارزش‌های یکسانی را مبادله می‌کنند به عبارتی برای شکل‌گیری مبادله پول شرط لازم است. اما شرط کافی نیست. شرط کافی مبادله آگاهی است. اگر آگاهی حذف شود مبادله شکل نمی‌گیرد. یعنی با وجود پول به تنهایی مبادله تحقق نمی‌پذیرد. با وجود آگاهی اقتصادی است که مبادله شکل می‌گیرد. آگاهی حلقه‌ی مفقود علم اقتصاد است. به عبارتی در علم اقتصاد نقش ناظر نادیده گرفته شده است. ناظرانی که برای مبادله یکدیگر را ملاقات می‌نمایند. به شکل دقیق‌تر:

بدون آگاهی مبادله شکل نمی‌گیرد. با حذف آگاهی مبادله شکل نمی‌گیرد. این نکته بسیار دقیقی است.(برای درک بهتر این موضوع کافی است تصور نمیاند وقتی با کارت بانکی خود به بازار می‌روید چگونه مبادله شکل می‌گیرد. شما اول از فروشنده قیمت را سوال می‌کنید(اندازه‌گیری ارزش). بعد اگر قصد به خرید نمودید و فروشنده هم متوجه شد شما همان مقدار ارزش را انتقال می‌دهید مبادله شکل می‌گیرد. یعنی آگاهی شما و فروشنده که ارزش‌های یکسانی را مبادله می‌کنید). وسیله‌ای که نقش اندازه‌گیری ارزش را دارد لازم است از وسیله‌ای که نقش انتقال ارزش را دارد متفاوت باشد. به طوری که وسیله‌ی اندازه گیری ارزش پول است. اما وسیله‌ی انتقال ارزش آگاهی است. با این نوع نگاه به پول در علم اقتصاد هیچ‌گاه پول کنز نمی‌شود.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در خصـــوص نگارش مقاله و امانت‌داری در ارجاعات رعایت گردید.

سهم نویسندگان

نگارش و تألیف این مقاله فقط توسط بنده صورت گرفته است.

تضاد منافع

در این تحقیق تضاد منافعی وجود ندارد.

منابع

١. بخشی دستجردی رسول و دلالی اصفهانی،*آسیب شناسی نظریه بهره و نظام بانکداری متعارف*: انتشارات دانشگاه یزد ١٣٩٠

٢. توتونچیان، ایرج(١٣٧٩)، "*پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری*"، عضو هیأت علمی دانشگاه الزّهرا (س)

٣. جوانشیر، ف. م. (١٣٥٧)؛ *اقتصاد سیاسی شیوه تولید سرمایه‌داری*؛ انتشارات حزب توده ایران

٤. سوئیزی، پل (١٣٥٨)؛ *نظریه‌ی تکامل سرمایه‌داری*؛ ترجمه حسن ماسالی؛ انتشارات تکاپو

٥. سبحانی ، حسن و قایمی نیا ، علی اصغر :چیستی *پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)* ، مجله اقتصاد اسلامی شماره ٦٣-

٦. حسنی شبگیر: *نظریه‌ی مارکسیستی ارزش و سه برهان آن*: ١٣٩٦/٠٣/١٩ • اقتصاد و جامعهhttp://problematicaa.com/the-theory-of-surplus-value/

٧. حسینی سید عقیل؛ *تحلیل تطبیقی رویکردهای سوبژکتیو و ابژکتیو به مساله ارزش در اقتصاد*: مجله اقتصادتطبیقی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بهار و تابستان ١٣٩

٨. حسینی، سیدعقیل.، رنانی، محسن(١٣٩٠)، *نقد و روش سنای اقتصادفیزیک و کابرد آن در تحلیل نظام توزیعی سرمایه‌داری*، فصلنامه اقتصاد تطبیقی، ٧

٩. رمضانیُ علی: *معنای «حق» در نگاه اندیشمندان اسلامی* : مجله معرفت حقوقی ١٣٩٠

١٠. رحمانی تیمور: *اقتصادکلان*: انتشارات برادران سال ١٣٨٠

١١. زاهدی وفا محمد هادی و باقری علی: *تحلیلی بر نظریه ارزش و توزیع در اقتصاد*. مجله مطالعات اقتصاد اسلامی پاییز و زمستان

١٢. داگلاس هابرد چگونه هر چیزی را اندازه بگیریم: *Finding the Value of Intangibles in Business*، جان وایلی و پسران، ٢٠٠٧

١٣. علی اصغر ابوالحسنیهستیانی و جهانگیر بیابانی و ابوالقاسم اثنیعشریامیری: *چیستی پول در اقتصاد اسلامی* :مجله اقتصاد اسلامی ١٣٩٢

١٤. مارکس، کارل (١٣٩٤)؛ *سرمایه، نقد اقتصاد سیاسی مجلد اول*؛ ترجمه حسن مرتضوی؛ انتشارات لاهیتا

١٥. مندل، ارنست (١٣٥٨)؛ *تئوری مارکسیستی اقتصاد مجلد اول*؛ ترجمه مرتضی سیاهپوش؛ چاپ کاویان

١٦. مندل، ارنست (١٣٨٦)؛ *اقتصاد سیاسی*؛ ترجمه کمال خالق پناه؛ نشر گل‌آذین

١٧. میک، رونالد (١٣٥٨)؛ *پژوهشی در نظریه ارزش – کار*؛ ترجمه م. سوداگر؛ موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند

١٨. نوشین، عبدالحسین (٢٥٣٦)؛ *اصول علم اقتصاد*؛ نشر نوپا

١٩. نیکی‌تین، پ (١٣٨٧)؛ *مبانی اقتصاد سیاسی*؛ ترجمه ناصر زرافشان؛ انتشارات آگاه

٢٠. طالبیُ محمد حسین: *دانش فلسفهٔ حق در اندیشهٔ آیتا لله جوادی آملی*: حکمت اسرا ١٣٩۴

٢١. معرفی محمدی، عبدالحمید: *روش شناسی علم اقتصاد و مسئله رئالیسم*: مجله ی روش شناسی علوم انسانی : تابستان ٩٧شماره ١٣٩٥

٢٢. معرفی محمدی، عبدالحمید: *اقتصاد اعتباریات و مسئله اخلاق*:مجله ی معرفت اقتصاد اسلامی بهار و تابستان ١٣٩٨

٢٣. معرفی محمدی، عبدالحمید و حسینی سید عقیل: *مسئله عینیت در اقتصاد اسلامی*: مجله ی مطالعات اقتصاد اسلامی: بهار و تابستان٩٨

٢٤. هادوی نیا ، علی اصغر:*مبانی نظری ساختار مالکیت از دیدگاه قران*:مجله اقتصاد اسلامی:شماره٣-١٣٨٢

۲۵. هندرسون و کوانت(ترجمه ی دکتر جمشید پژویان): *اقتصاد خرد پیشرفته*: ۱۳۹۱

۲۶. محمدی . علیرضا: *فیزیک اقتصاد و کاربرد آن در حل مسایل اقتصادی و رهیافت توسعه آن*: اولین کنفرانس بین المللی در کسب و کار

27. Anglin, P. M. (2005).'*Econophysics of Wealth Distribution*', Econophysics of Wealth
28. Distributions, Chatterjee, A. et al. (ed), *Springer*.
29. Aruka, Yuji and Jurgen Mimkes (2005).'*Carnot Process of Wealth Distribution'*, Econophysics of Wealth Distributions, Chatterjee, A. et al. (ed.), Springer.
30. Beinhocker, Eric D. (2006). *The Origin of Wealth: Evolution, Complexity, and the Radical Remaking of Economics, Massachusetts*: Harvard Business School Press.
31. Ben-Naim, arieh (2007).*Entropy Demystified: The Second Law Reduced to Plain Common Sense, London: World Scientific*.
32. Bennewitz, J. (2007). '*Application of the Main Laws of Thermodynamics on Economy'*, Social Science Research Network.
33. Burkett, Paul (2006).'*Marxism and Ecological Economics'*, in Toward a Red and Green Political Economy, Leiden: Brill.
34. Celeveland, Culter, Ch. Hall and R. Kaufmann (1984). *Biophysical Economics*, New York: Wiley.
35. Chakraborti, A. (2002*). 'Distributions of Money in Model Markets of Economy'*, International Journal of Modern Physics, C. 13.
36. Chakraborti, A. and B.K.Chakraborti (2000*). 'Statistical Mechanics of Money: Effects of Saving Propensity'*, European Physics Journal, B. 17.
37. Chatterjee, A., Sandhakar Yarlagadda, and Bikas K. Chakrabarti (ed.) (2005).*Econophysics of Wealth Distributions*, Springer.
38. Clementi, F.,M. Gallegati (2005).'*Power Law Tails in the Italian Personal Income Distribution'*, Physica, A. 350.
39. International Vocabulary of Metrology – *Basic and General Concepts and Associated Terms (VIM) (PDF) (3rd ed.)*. International Bureau of Weights and Measures. 2008. p
40. Rabinson, Joan (1962), *Economic Philosophy*, London: C. A. Watts.
41. Ricardo, David (1821/ 1951), *On the Principles of Political Economy and Taxation*, London: John Murray.
42. Robbins, Lionel (1935), *An Essay on the Nature and Significance of Economic Science*, London: MacMillan.
43. Samuelson, Paul A. (1976), *Economics*, New York: Mcgraw-Hill.
44. Sen, Amartya (1987), *On Ethics and Economics*, Oxford: Blackwell Publishing.
45. Shackle, G. L. S. (1973), *The Marginal Revolution in Economics*: *Interpretation and Evaluation*, Marginalism: The Harvest, R. D. Collison Black, A. W. Coats, and Craufurd D. W. Goodwin (eds.), Durham, North Carolina, Duke University Press.
46. Smith, Adam (1922 [1776]), *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, Edwin Cannan (ed.), London: Methuen.
47. Sraffa, P. (1960), *Production of Commodities by Means of Commodities*: Prelude to a Critique of Economic Theory, Cambridge: Cambridge University Press.
48. Steedman, Ian (1977), *Marx after Sraffa*, London: New Left Books.
49. Sweezy, P. M. (1942), *The Theory of Capitalist Development*, New York: Oxford University Press.
50. Walsh, Adrian and Tony Lynch (2003), "*The Development of Price Formation Theory and Subjectivism about Ultimate Values*", Price Formation Theory, Journal of Applied Philosophy, vol. 20, no. 3.

51. Walsh, Vivian C. (2003), "*Sen after Putnam*", Review of Political Economy, vol. 15, no.3.
52. White, Michael V. (2002), "*Doctoring Adam Smith: the Fable of the Diamonds and Water Paradox*", History of Political Economy, vol. 34, no. 4.

مطالعات فقه اقتصادی
Economic Jurisprudence Studies

Jurisprudence of money in Islamic economics: Credit ownership of money: Public ownership of money

Noorullah Salehi Asfiji[*1]

1. Faculty of Economics, Shahid Bahonar University of Kerman, Department of Economics, Kerman, Iran.

ARTICLE INFORMATION:

Article Type: Original *Research*

Pages: 44-64

Article history:

Received: *7 0ct 2020*

Edition: *5 Nov 2020*

Accepted: *10 Dec 2020*

Published online: *3 Apr 2021*

Keywords:

Corresponding Author:
Noorullah Salehi Asfiji

Address:
Iran, Kerman, Shahid Bahonar University of Kerman.

Orchid Code:
0000-0002-0975-4509
Tel:
09191045214

Email:
salehinoor@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: All the problems of a conventional economy are rooted in something real (not real) called inflation. So that even the problems of stagflation, poverty, class divide and unemployment go back to inflation. As a result, it seems that this fact is born of a false credit. As long as this is wrong in the economy, these problems exist. Of course, this seems to be the definition of money in the economy.

Materials and Methods: The hard core of Islamic economics is money. In this research, the jurisprudence of money in Islamic economics is analyzed. To explain this in detail, it is necessary to analyze the following:

1 .The role of credit in the economy: Money is a concept of credit (such as meters and kilograms that are credit but have a real origin). The result is not money, goods, capital, wealth of the individual and society. Its ownership is public. Which is necessary and obligatory to circulate in the economy in the form of good loans.

2. Analyzing the concept of tax and ownership in Islamic economics

3.The position and role of money in economics (explanation of 4 theories)

It seems that in Islamic jurisprudence, money is property (only and only consumer value). But it has no tax (exchange value). But also has ownership. It has credit ownership. In order to maintain the principle of ownership in society, it is necessary to consider money as credit ownership. The principle of ownership is violated when money is considered otherwise.

Ethical considerations: In all stages of writing the present study, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Findings: Money is a tool for measuring value. But the means of exchange is not money (in conventional economics, money is considered the medium of exchange). The means of exchange is consciousness. This is the key to the jurisprudence of money in Islamic economics. In other words, what creates the exchange is not money. It is consciousness. In other words, what transmits value is the awareness of economic agents. Awareness of economic agents that they are exchanging the same values. In other words, a condition is necessary for the formation of money exchange. But the condition is not enough. A sufficient condition is the exchange of consciousness. If consciousness is removed, exchange will not take place. That is, with money alone, exchange does not take place. It is in spite of economic awareness that exchange takes shape. Awareness is the missing link in economics. In other words, in economics, the role of the observer has been ignored. Observers who exchange views with each other.

Conclusion: Exchange is not formed without awareness. Exchange is not formed by removing consciousness. This is a very accurate point. The instrument that plays the role of measuring value must be different from the instrument that plays the role of transmitting value. It is a means of measuring the value of money. But it is a means of transmitting the value of consciousness. With this kind of look at money in economics, money can never be made.

Cite this article as: Salehi Asfiji N. Jurisprudence of money in Islamic economics: Credit ownership of money: Public ownership of money . 2021; 3(1): 45-64.